زوج موتورسوار استرالیایی، ایران را ترک کردند

تقدیر از میهمان‌نوازی ایرانیان، گلایه از رانندگان و زباله‌ها

شهرزاد صبا

۴۰سالگی سالگرد ازدواجشان را در ایران و در ویلای اجاره‌ای در کرج گذراندند. فکر می‌کردند آن روز را در هتل عباسی اصفهان باشند اما برای تعمیر یکی از موتورها نیاز به قطعه‌ای بود که به سختی می‌توانستند در ایران پیدایش کنند. در نتیجه برنامه کمی تغییر کرد. ویلا را آشنای‌آشنایی پیشنهاد کرد. بسیار زیبا بود اما سیستم خنک‌کننده‌ای در کار نبود و تخت چندان راحتی نداشت. همه اینها برای «آن» و «آنتونی»، زوج موتورسوار استرالیایی که چندماه پیش سفر خود را از اروپا شروع کرده‌اند و تا حدود چهارماه دیگر به استرالیا بازمی‌گردند، چندان مهم نبود. سالگرد ازدواج با همه امکانات کم‌وخوبش به آنها خوش گذشت و در جواب آنکه سالگرد ازدواجتان را چطور گذراندید، تنها پاسخ می‌دهند: «عالی بود.» و تنها روی perfect (عالی) تاکید دارند. از همه مهم‌تر آن است که همان فرد آشنای‌آشنا تمام شهر را زیر پا گذاشت و قطعه موردنیاز موتور را برایشان پیدا کرد. موتور برای ادامه سفر تعمیر شد و یک‌روز بعد آن و آنتونی به تهران آمدند.

از ایرانیان جز مهربانی ندیدیم

زوج استرالیایی به‌تازگی ایران را ترک کرده‌اند و با کشتی از راه بندرعباس وارد دوبی شده‌اند تا به ادامه سفر از دوبی به هند بپردازند. آن و آنتونی از سال پیش، برای این سفر برنامه‌ریزی کرده بودند و از اواخر ماه‌ژوئن امسال، سفرشان را از انگلستان آغاز کردند. این طولانی‌ترین سفری است که این‌دو، در نیمه سنی دوم زندگی خود تصمیم به انجام آن گرفته‌اند؛ «آن» ۵۷سال دارد و «آنتونی» ۶۰ساله است. این‌دو به انتخاب خود سفری دشوارتر را برگزیده‌اند و معتقدند کارهای آسان را چندان دوست ندارند و شاید این دلیلی بود که باعث شد «آن» بی‌توجه به همه مشکلاتی که ممکن بود این سفر برایش پیش آورد، همراه شوهرش از اروپا حرکت کرد و به خاورمیانه آمد. او در حال حاضر از معدود زنانی است که جاده‌های ایران را با موتور طی کرده است. پیش از آمدنش هیچ اطلاعاتی در این مورد نداشت. پیش از او، دوزن غیرایرانی به‌صورت محدود به چنین کاری اقدام کرده بودند. آنان نیز چندان صحبتی از سفر خود و این مسیر به میان نیاورده‌اند و در داخل ایران خبری از آنان منعکس نشده است. یکی از آنان، خبرنگار زنی است که بعد از بازگشتش از ایران، مصاحبه‌ای در این مورد انجام داد و فیلم کوتاهی درباره زندگی مردم ایران تهیه کرده بود و به جز او، یک زن ایتالیایی هم در ایران موتورسواری کرده بود. این‌دو تنها کسانی هستند که «آن» در مورد آنان شنیده بود؛ او حتی فکر می‌کرد موتورسواری در ایران بدون محدودیت است.

زوج موتورسوار استرالیایی معتقدند در ورود به ایران یا در طول سفر، با مشکل خاصی روبه‌رو نشدند و به جز مهربانی و توجه زیاد مردم به خود که معمولا در طول مسیر برایشان اتفاق می‌افتد، چندان اذیت نشده. فقط موتورهایشان و نوع سفر، عمدتا موجب ابراز احساسات مردم شده و سفر این دو برایشان هیجان‌انگیز بوده است اما نه آنگونه که آنان را متعجب کند یا رفتار ناخوشایندی نشان دهند. بسیاری از مردم به آنان ابراز علاقه می‌کردند، برایشان دست تکان می‌دادند و با آنان عکس می‌گرفتند. «آن» عکس زنی را به همراه دارد که تنگ او را در آغوش گرفته و صورتش را به‌صورت آن چسبانده است. دیدن آن و آنتونی برای آن زن در مسیر کرج-تهران آنقدر جالب بود که با ابراز احساسات زیاد آنها را از حرکت نگه داشتند و زن با «آن» عکس یادگاری گرفت. «آن» می‌گوید: «مشخص بود شوهرش از او می‌خواست که زودتر بروند و او موقع رفتن همچنان به من اشاره می‌کرد و با آنکه انگلیسی بلد نبود دایم تکرار می‌کرد آی‌لاویو... آی‌لاویو.»

۴۰سال تجربه زندگی و سفر

با آنکه خانواده «آن» و «آنتونی» در اروپا زندگی می‌کنند، آنها تجربه سفر را دوست دارند؛ برای همین در همان سال‌های اول زندگی و حدود ۳۰سال پیش به استرالیا مهاجرت کردند. «آن» فرانسوی و «آنتونی» انگلیسی و اهل آفریقای‌جنوبی است. عکس‌های جوانی‌شان گذر سال‌های زندگی‌شان را نشان می‌هد؛ «آن» لاغر و بسیار ظریف با موهای کوتاه بلوند، «آنتونی» با موهای مشکی بلند تا روی شانه‌ها و عینک‌هایی با قاب بزرگ مد آن سال‌ها؛ این همه‌چیزی است که در عکس عروسی‌شان دیده می‌شود. بدون هیچ لباس عروس یا شلوغی‌ای، مراسمی بسیار ساده برگزار کردند.

هردو چندسال بعد تصمیم می‌گیرند فرزندی نداشته باشند. «آن» حدود ۱۵سال فعالیت‌های پژوهشی روی بومیان استرالیا انجام داد و در ماه‌های مختلف میان آنان زندگی کرده است. او برگزارکننده گالری‌های هنری زیادی نیز برای بومیان استرالیا در سراسر دنیا مانند آمریکا و دوبی بوده است. عکس‌هایش نشان می‌دهد چطور اهالی یک منطقه، او را میان خود پذیرفته‌اند، دوستش دارند و به او اجازه می‌دهند تا در مراسم‌هایشان که بسیار مهم و بومی است، شرکت کند. او سفرهای دیگری نیز داشته است؛ در این میان نیز آنها سفرهای بلند یا کوتاه از نوع طبیعت‌گردی و با کوله‌پشتی به آفریقای‌جنوبی، آمریکا، آمریکای‌جنوبی و اروپا داشته‌اند. اما این‌بار و بعد از چندسفر کوتاه با موتور در اروپا و استرالیا، موتورهای ۲۵۰بی‌ام‌دبلیو خود را برای سفر انتخاب می‌کنند.

سرعت اینترنت ایران اجازه آپلود نداد

آن و آنتونی در مورد روزهای خود در این سفر و همه خاطرات و تجربیات خود از آنچه می‌بینند، در وبلاگ خود می‌نویسند. یک مطلب را آن می‌نویسد و مطلب بعدی را آنتونی؛ هرکدام با همه ویژگی‌های خاص نوشتاری خود مطلب‌هایشان را در وبلاگ به‌روز می‌کنند و البته در ایران با توجه به سرعت اینترنت، موفق به گذاشتن عکس‌ها و فیلم‌هایشان در وبلاگ نشدند و تنها متن نوشته‌هایشان را روی سایت گذاشتند تا آنانی که سایتشان را بازدید می‌کنند، نگرانشان نشوند. تجربه‌هایشان در شهرهای مختلف ایران بسیار متفاوت است اما در همه شهرهای مسیر خود، یعنی گرگان، بهشهر، کرج، تهران، کاشان، اصفهان، یزد و بندرعباس، با میهمان‌نوازی زیاد ایرانیان مواجه شدند و معتقدند ایرانیان بسیار مهربان و میهمان‌دوست هستند. البته عکس‌ها و فیلم‌هایشان بسیار جالب‌تر است و همچنان که از ایران رفته‌اند، نمی‌دانند به سختی می‌شود عکس‌هایشان را دید.

سعی می‌کنند اگر هم چیزهای ناخوشایندی در طول سفر دیده‌اند، چندان اشاره به آن نکنند؛ مثل برخوردی که پلیس روسیه در مرز با آنها داشته است. معتقدند هرکس در هرشرایط و موقعیتی خوب است و باید خوبی‌های او را دید. اما در لابه‌لای روحیه طنز یا خاطراتی که تعریف می‌کنند، می‌شود شگفت‌زدگی‌شان از بعضی چیزها را دید؛ یک مورد رانندگی ایرانیان است. «آن» بسیار متعجب بود از اینکه چطور رانندگان ایرانی با فاصله خیلی نزدیک به هم رانندگی می‌کنند. در چندمورد، ماشین‌ها را دیده که به‌راحتی تا کنار صندلی موتور آنان می‌آمدند و شروع به صحبت می‌کردند و همچنان باور نمی‌کند که در یکی از فرعی‌های یک‌طرفه، چطور موتور دیگری به سرعت سمت آنان آمد، پیچید و بسیار راحت به سمت دیگری رفت. اگرچه این موضوع برایشان همراه با کمی ترس و طنز است، اما وقتی صحبت از دیدن اینکه چطور مردم زباله‌هایشان را از ماشین بیرون می‌ریختند می‌کنند، چهره آن درهم می‌رود: «باورم نمی‌شود کسی که سرزمینش را دوست داشته باشد، اینطور زباله‌اش را در هرجایی پرت کند. من مدت‌ها با بومیان استرالیا که روحیات و خلق‌های خود را دارند، بوده‌ام؛ آنها عاشق زمینشان بودند و هیچ‌وقت چنین کاری را در میانشان ندیدم و محل زندگی‌شان را بسیار تمیز نگه می‌داشتند. اینجا اما از خودم می‌پرسیدم اینها چرا چنین کاری می‌کنند.»

آن و آنتونی با گذشتن از اروپا، روسیه و کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان به ایران آمدند و تجربه‌های بسیار متفاوتی در هریک از شهرهای ایران از شمال تا جنوب داشتند. تهران را شهری بزرگ و شلوغ می‌دانند، برخلاف توریست‌های دیگر، چندان علاقه‌ای به دیدن خارجی‌های دیگر یا هرجای دیدنی ندارند. مسیر برایشان مهم و بودن در کنار مردم، حرف‌زدن یا ارتباط‌گرفتن و دیدن عکس‌العمل‌های مردم برایشان بسیار جالب است. آنان معتقدند جاده‌های ایران بسیار خوب ساخته شده و بزرگراه‌های بسیار خوبی دارد که برای مسافران اینچنین بسیار مناسب است. سفر ایران برای آنان کوتاه اما بسیار جالب بود و با وجود ناگزیربودن به ادامه سفر از دوبی به هند، معتقدند باز هم روزی به ایران بازخواهند گشت و همه‌جای آن را خواهند دید.

گفت‌وگو

سفر برای ما مهم است

آخر سفر، وقتی که مسافران می‌خواستند ترک موتورهایشان بنشینند و بروند، خبرنگار «شرق» با زوج استرالیایی صحبت کوتاهی داشت که در ادامه می‌خوانید:

خب، آیا شما عشق‌موتورهایی هستید که به سفر می‌روند یا عاشق سفر هستید و برای سفر موتور را انتخاب کردید؟

آنتونی: نه، سفر چیزی است که برای ما مهم است. اتفاقا این موضوعی است که ما در وبلاگ خود به آن اشاره کرده بودیم. ما سفر را دوست داریم و بعضی‌ها با ماشین می‌روند بعضی‌ها با کوله‌پشتی، اما ما موتور را انتخاب کردیم. خیلی‌ها پیش از سفر به ما گفتند کار سختی است و می‌دانستیم که سفر سخت‌تری را انتخاب کرده‌ایم اما به‌خاطر همین سخت‌بودنش تصمیم به این کار گرفتیم. کارهای ساده‌تر را که همه انجام می‌دهند.

آن: ضمن اینکه من به‌خاطر داشتن مشکل کمر، فکر می‌کنم رانندگی با ماشین برایم سخت‌تر بود، ولی سیستم موتور و نوع نشستن روی آن طوری است که احساس می‌کنم برای کمر من بهتر است.

سفر با موتور چه احساسی دارد؟

آنتونی: خیلی جالب است. شما وقتی در ماشین هستید، در حقیقت در یک فضای بسته قرار دارید اما با موتور، شما در فضای آزاد در حال رانندگی هستید. همه‌چیز را حس می‌کنید، تمام منظره‌های دور و اطراف را در همان موقعیتی که هست، می‌بینید و یک ارتباط مستقیم و کاملا باز با اطراف و آدم‌های دوروبر خود دارید که در رانندگی با ماشین چنین تجربه‌ای نیست.

و شما همان‌طور که گفتید، راه‌های سخت را بیشتر دوست دارید؟

آنتونی: نوعی موفقیت است. همه‌چیزهایی که نیاز داریم و یاد می‌گیریم، برای ما ارزشمند است. چیزهای زیادی از آدم‌های مختلف، فرهنگ‌ها و حتی محیط می‌بینیم و یاد می‌گیریم. شاید همه ما اخبار یا اطلاعات زیادی در مورد ایران، شیلی، ازبکستان، میانمار بشنویم یا بخوانیم اما ما با سفرکردن به کشورها، دیدن و تجربه‌کردنشان به درک دیگری می‌رسیم.

آن: ما حتی درجه حرارت‌های متفاوت هوا را تجربه می‌کنیم و گاهی که از من می‌پرسند آیا نمی‌ترسی، نمی‌توانم عقیده‌ای را ابراز کنم چون واقعا نمی‌دونم در چه موقعیتی خواهم بود.

آن! می‌دانی که احتمالا سومین زن غیرایرانی هستی که در ایران موفق به موتورسواری شده‌ای؟

من؟ یعنی قبل از من فقط...؟ نه، فکر می‌کنم شاید باز هم باشند ولی جالب است؛ چنین احساسی نداشتم. در مورد اینکه آیا زنان اینجا موتورسوار می‌شوند یا نه، پرس‌وجویی نکرده بودم. تحقیق‌های ما در مورد ایران نیز مثل همه کشورهای دیگر موردنظر بیشتر مربوط به راه، مسیر و امکاناتی بود که می‌توانستیم داشته باشیم. این راه بخشی از سفر ما بود و باید می‌گذشتیم.

آنتونی: مشکل خاصی برای ما در ارتباط با این موضوع پیش نیامد و همه‌چیز معمولی بود و فقط زمان ابراز احساسات و توجه‌ها که در تمام طول مسیر، معمولا با آن مواجه هستیم.

شما چهلمین‌سالگرد ازدواجتان را در ایران بودید؛ سوار بر موتور با خستگی و کمبود امکانات خاص این نوع سفر. دوست نداشتید برای این روز جا یا موقعیت دیگری باشید؟

آن: نه، همه‌چیز خوب بود.

آنتونی: بله، همه‌چیز خوب بود. ما در آن لحظه آنجا بودیم و همین کافی است. پس هر لحظه و زمانی می‌تواند برای ما لذت‌بخش باشد. ما قبل از ورود به ترکمنستان، در جایی کمپ زدیم و شب را سپری کردیم و برای ما عالی بود. بعد، در ترکمنستان به یکی از هتل‌های بسیار لوکس رفتیم. هتل، مقابل کاخ ریاست‌جمهوری و بسیار فضای آرام و شیکی برای ما بود. آن هم عالی بود. حتی شب ورود به ایران هم، کنار منظره کوهی که مقابل ما بود، کمپ داشتیم. آن هم برای ما عالی بود. هرزمان و لحظه‌ای شرایط خودش را دارد و ما به این اعتقاد داریم.

آن! آیا هدیه‌ای هم برای سالگرد ازدواج از آنتونی گرفتی؟

آن: (می‌خندد و سر را به نشانه «نه» تکان می‌دهد و با شیطنت ادامه می‌دهد) آنتونی خواست که از اینجا هدیه‌ای برای خودمان بگیریم، مثل فرشی کوچک اما نخواستم. می‌توانیم بعدا این کار را انجام دهیم. هدیه چندان برای من مهم نیست.

شما تا مدتی دیگر ایران را ترک می‌کنید و چندماه دیگر هم به استرالیا بازمی‌گردید. سفر سخت و طولانی‌ای بود. بعد از این سفر چه‌کار خواهید کرد؟ برای آن تصمیمی گرفته‌اید؟

آن: (با خنده) می‌خواهیم وقتی بزرگ‌تر شدیم...

آنتونی: (با خنده) بله، بله، وقتی بزرگ شدیم...

آن: در واقعیت ما پیر هستیم و باید فکر بازنشستگی خود باشیم، اما به این موضوع فکر کردیم و تصمیماتی گرفته‌ایم. سفر طولانی برای ما سخت است.

جدول ۲۰۹۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱-سوره روشنایی- از اجزای پیراهن- رفتار تلافی‌جویانه ۲-از القاب دوازدهمین امام شیعیان-نوبت انجام وظیفه ۳- ویران‌کننده- از یاران امام‌علی(ع) که در جنگ صفین شهید شد- نغمه ۴- قوای نظامی یک کشور- لاستیک رویی چرخ خودرو- سردرد شایع و شدید ۵-آخرین یک رقمی-افسوس- پرنده‌ای وحشی و حلال گوشت- خط کش مهندسی ۶-حرف دهن‌کجی- از درختان گرمسیری تناور- تخمک ۷-فرماندهان- گل خیری- از یاران امام حسین (ع) ۸-ادا و اطوار- قصر پادشاهان ساسانی-هذیان ۹-موقر-مستقیم- گوشه‌ای در دستگاه شور ۱۰- کتاب دعا- تنظیم‌کردن با در نظرداشتن حالت مطلوب- ضمیر سوم شخص ۱۱-نوار دورتادور بدنه اتومبیل- پزشک اتاق عمل- سزاوارتر-نت سوم ۱۲- دانش‌آموز- لگن ظرفشویی- برق را از کوئل به دلکو می‌رساند ۱۳- میانه بدن- فیلسوف آلمانی قرن هجده- در توضیح کلام به کار می‌رود ۱۴- ظرف جوهر و مرکب- خلبان دلاور و شجاع جنگ‌های کردستان ۱۵-از ورزش‌های گروهی- دریایی باریک میان فرانسه و انگلستان- سوپ روسی.

عمودی:

۱- مسیحی- محل تعلیم رشته‌های فنی و هنری ۲- گشاده- رویکرد- فیلمی ماندگار ساخته داریوش مهرجویی۳- دلسوزی و مهربانی- ترسناک- واحدی برای اندازه‌گیری زاویه ۴-از سوی فرماندار منصوب می‌شود- همسایه لیبی- دمای غیرطبیعی بدن ۵- چوبه اعدام- نواری که غضروف‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند- از پرندگان شناگر ۶- ابزار دندانپزشکان قدیم- خشنودکردن- رتبه کارمندی ۷- ترش و شیرین- حرکتی در ژیمناستیک- نیکو ۸- خواهر اسفندیار در شاهنامه- سهل انگار- پدرمرده ۹- جنگ و پیکار- خویشاوندان- کتابی درباره رشادت‌های مردم خرمشهر نوشته سیده اعظم حسینی ۱۰-فوری-شهری در استان کرمان- محل فیلمبرداری ۱۱- از هفت سین‌نوروزی- جناح لشکر- خوشگذرانی ۱۲- تنها- بیهوده- بازیکنی که در باشگاهی غیر از باشگاه‌های کشورش بازی می‌کند ۱۳- زیبا- سرزنش‌کننده- پیامبر صبور ۱۴- بزرگترین سرخ رگ بدن- محرومیت- محل ورود ۱۵- تعمیرکار ورزیده ماشین‌آلات-بازبینی نوشته.

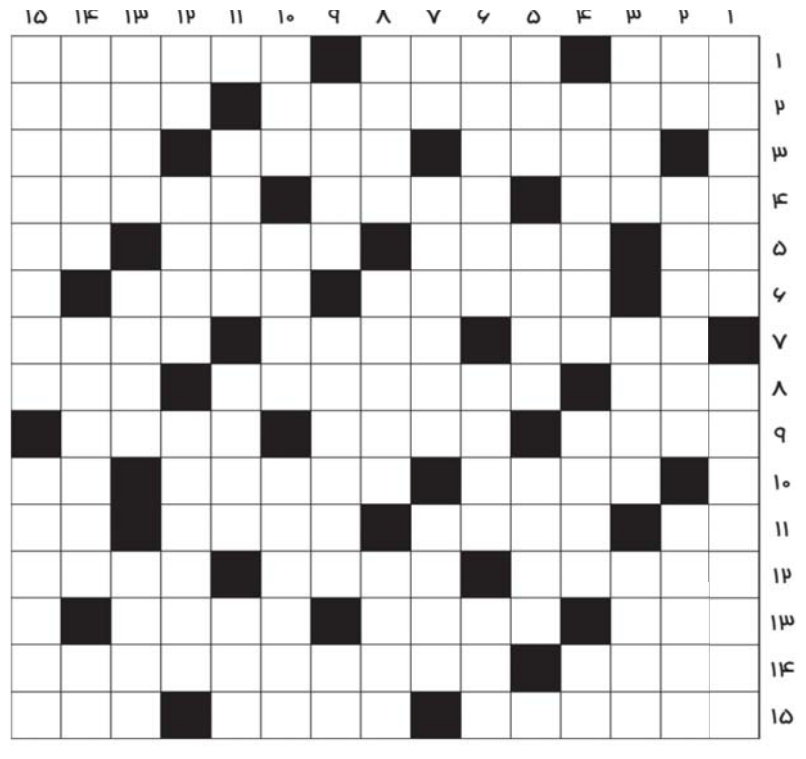

حل سودوکو سخت

۳	۲	۷	۹	۵	۶	۱	۴	۸
۶	۴	۵	۱	۸	۷	۹	۳	۲
۱	۸	۹	۲	۴	۳	۶	۵	۷
۲	۶	۸	۷	۹	۵	۴	۱	۳
۵	۷	۳	۴	۶	۱	۲	۸	۹
۹	۱	۴	۳	۲	۸	۷	۶	۵
۸	۹	۶	۵	۷	۴	۳	۲	۱
۷	۵	۱	۶	۳	۲	۸	۹	۴
۴	۳	۲	۸	۱	۹	۵	۷	۶

حل سودوکو ۱۰۹۱

۷	۴	۲	۸	۵	۹	۱	۳	۶
۵	۹	۱	۲	۳	۶	۷	۸	۴
۸	۶	۳	۷	۱	۴	۵	۲	۹
۹	۳	۸	۱	۴	۵	۲	۶	۷
۲	۵	۶	۹	۷	۸	۳	۴	۱
۱	۷	۴	۳	۶	۲	۸	۹	۵
۶	۲	۹	۵	۸	۷	۴	۱	۳
۴	۱	۷	۶	۲	۳	۹	۵	۸
۳	۸	۵	۴	۹	۱	۶	۷	۲

جدول ۲۰۹۴

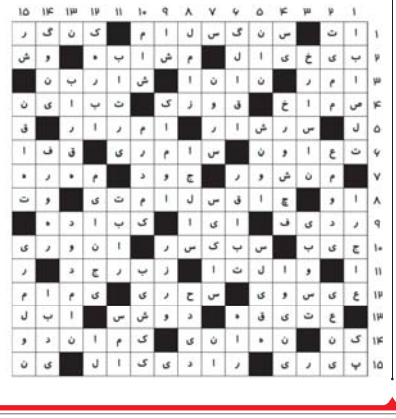

سودوکو سخت ۱۰۹۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴				۶	۲			
۱		۸		۳				
۲		۷			۸	۹		
		۵				۳	۱	
		۳	۸		۹		۴	
		۲	۳	۵				
۷			۴	۹	۶			
			۵			۴	۷	
				۷			۶	۱

سودوکو ۱۰۹۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲				۶		۸	۹	۷
		۷	۳			۵	۶	
۶					۲	۱	۳	
۵		۸	۹					
		۴	۵		۱		۲	
		۲		۸	۶		۵	۱
۴		۶		۱	۳	۲		
۸	۷	۵			۹	۶	۱	
۳		۱	۶			۴	۸	